



ما باید قبول کنیم هزینه بدهیم. ببینید ما که از شهید عزیز؛ حاج قاسم سلیمانی، از شهید «سید رضی صالح العاروری» و از بسیاری نام‌های بزرگ که ایثار و فداکاری‌شان، آنان را به مقام شهادت رسانده، خون رنگین‌تر و جان عزیزتری نداریم

با این حساب به پاور شما مهم‌ترین نکته در ادامه مسیر مقاومت چیست؟ عموم مردم یا نخبگان لازم است به چه چیزی بیشتر دقت داشته باشند؟

ما باید قبول کنیم هزینه بدهیم. ببینید ما که از شهید عزیز؛ حاج قاسم سلیمانی، از شهید «سید رضی موسوی»، از شهید «صالح العاروری» و از بسیاری نام‌های بزرگ که ایثار و فداکاری‌شان، آنان را به مقام شهادت رسانده، خون رنگین‌تر و جان عزیزتری نداریم. شما آقای «وائل الحدوح» را ببینید، ایشان در نوار غزه تعداد زیادی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده و حتی خم به ابرو نمی‌آورد.

حرفم این است که یک خبرنگار، یک مستندساز، یک فیلمساز، یک عکاس، یک راوی که از دل و جان داوطلب کنشگری رسانه‌ای است و هیچ‌کس او را مجبور نکرده برود منطقه جنگی و حتماً کلی تلاش کرده عزیزانش راضی به رفتن او باشند، می‌شود به او کمک کرد و کار او را تسهیل کرد. بله، قرار نیست بی‌احتیاطی کنیم. ما که رفتیم، هم درخواست دادیم، هم مجوز گرفتیم، هم جلیقه خبرنگاری تهیه کردیم، هم روی ماشین علامت Press که نشان‌دهنده خبرنگاری است را درج کردیم.

مسئله رسیدن به هدف است و پاسخ مسئله این است که روایت اول و واگویی دست اول از آنچه در میدان جاری است، یک ضرورت حتمی است. حتی خود من که این راه را توانستم بروم، نمی‌شود بگویم آن نقطه را دارند می‌زنند، پس من عقب بنشینم. این کم‌کاری است و تغییرش تصمیمی است که باید همه با آن کنار بیاییم. در عرصه جنگی که خبرنگار و مستندساز لبنانی و سوری و خود فلسطینی‌ها هستند و خلاصه از ملیت‌های مختلف آمده‌اند، خون ما که رنگین‌تر نیست و جانمان هم عزیزتر نیست، چرا نباید آنجا برویم؟ الان یک اتفاق مشخصی که درست در ایران ضریب نگرفت، این بود که مزدوران نظامی اشغالگراز شمال غزه بیرون رفتند. عجیب است که این خبر در فضای حقیقی و یا مجازی صدا نکرد و دست به دست نشد. مردم باید بدانند فلسطینی‌ها تصمیم گرفتند هزینه بدهند و این هزینه شکست دادن اسرائیل غاصب هست که خودش هم اعتراف کرده به اهدافش نرسیده و این ناکامی‌ها هم منجر به اختلافات جدی داخل صهیونیست‌ها شده است. پس حالا که این بازدارندگی ما را گام به گام نزدیک مرحله آخر پیروزی کرده، نیاز ما این است که بپذیریم هزینه دادن، راه گرفتن نتیجه است.

شما می‌گویید خبرنگاران از ملیت‌های مختلف در صحنه حاضر هستند و حتی شهید شدند، اما فعالان رسانه‌ای ایرانی به دلیل خطر یا مصلحت‌های دیگر اجازه حضور ندارند و بهتر است این رویه تغییر کند؟

بله. بگذارید دردناک‌ترین روز سفرمان به جنوب لبنان را بگویم. تلخ‌ترین روز سفر ما آنجا بود که شنیدیم صهیونیست‌ها با راکت خودرویی را زده‌اند. یکی از بازمانده‌های این خانواده، خبرنگاری بود که داشت از روز واقعه تعریف می‌کرد. می‌گفت ما باید با دو خودرو عزیمت می‌کردیم. قبل از حرکت به پچه‌ها گفتم: «پچه‌ها دور ماشین بچرخین که پهباد ببیند این ماشین غیر نظامیه!» سه دختر، یک مادر و یک مادر بزرگ در ماشین دوم می‌نشینند و سرنشین ماشین جلو هم خبرنگار راوی که دایی پچه‌های مظلوم بوده، است. او گفت مدتی بعد از اینکه راه افتادم و در مسیر بودیم،



دیدم خودرو پشت سرم نیست. فکر کردم به خاطر رانندگی فاصله افتاده و سریع برگشتم، اما دیدم خودروشان در حال سوختن است و به شهادت رسیدند. می‌گفت مادر پچه‌ها که خواهرم است، از شدت انفجار از ماشین به بیرون پرت شده و شاهد سوختن سه دختر و مادرش بوده است. روز تشییع این شهدای مظلوم که همگی زن بودند، این عکس‌ها را ثبت کردم.

این حادثه برای ما و مردم جنوب لبنان خیلی سنگین بود. خود من آنجا عمیقاً فهمیدم داغ پچه یعنی چه. حالا شما حساب کنید جنایتکاران صهیونیست ۸ هزار و ۵۰۰ پچه را فقط در غزه شهید کردند.

الان وقتش است این سؤال با ابعاد مختلفی که دارد در افکار عمومی تک‌تک مردم ایران و جهان طرح شود که با این غده سرطانی چه باید کرد؟ در حال حاضر واقعاً نیاز داریم به بیداری افکار عمومی کمک کنیم تا خود مردم یکدیگر را آگاه کنند که با چه سرطانی روبه‌رو هستیم.

سرطانی که در این جنگ، فهمید چقدر سست و شبیه خانه عنکبوت است و اگر حمایت‌های آمریکایی و غربی نبود، امروز از غاصبان اثری نبود. البته این قضیه خودش ماجرای مفصلی دارد. اما در شرایط فعلی، برای ارتباط آمریکا و رژیم اشغالگر یک شرایط جدید پیش آمده است. به این معنا که هر چه جلوتر می‌آییم، بایدن بیشتر تلاش دارد فرافکنی کند و اتفاقات منطقه و جنایت‌ها را به گردن نتانیاهو و دولت جعلی‌اش بیندازد. رئیس‌جمهور آمریکا فکر می‌کند طرح دوگانه آمریکا-